



تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهران همتی باروق^{۱*}، سبحان ظفری^۲، شادی شاهوردیانی^۳

چکیده	اطلاعات مقاله
سیاست‌های اقلیمی بویژه در بعد زیست‌محیطی در سال‌های اخیر که فعالیت‌های انسانی روزبه‌روز به گرم‌شدن و نابودی محیط زیست منجر شده، به‌منزله یکی از موضوعات مهم و رایج محافل علمی و دنیای تجارت، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. امروزه با توجه به پیچیده‌شدن ارتباط شرکت‌های موجود در جامعه با یکدیگر و نیز با دولت و افراد حاضر در جامعه، شرایطی به وجود آمده است که شرکت‌ها می‌باید نه‌تنها به دینفعان، به آحاد مردم پاسخگو باشند. لذا، هدف کلی این پژوهش تعیین تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. این پژوهش از نظر روش‌شناسی، از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی می‌باشد. از سوی دیگر، این پژوهش از نظر نوع، از نوع پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی و بر اساس معادلات رگرسیونی بوده و از نظر هدف کاربردی است. جامعه مورد بررسی تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ می‌باشد که تعداد ۱۶۶ شرکت به روش غربال‌گری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. همچنین، عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. در نهایت، عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی، مدیریت سود، درماندگی مالی، مسئولیت اجتماعی	کلیدواژه‌ها

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

ایمیل: A_nori20143@yahoo.com

* نویسنده مسئول: مهران همتی باروق

۱. گروه مدیریت مالی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران

۳. گروه مدیریت بازرگانی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران

مقدمه

در دهه‌های اخیر، توسعه بازارهای سرمایه و پیچیدگی روزافزون بازارها و رویدادهای مالی و اقتصادی، انتظارات از حسابداری را افزایش داده و افزون بر اطلاعات عددی و مالی، خواستار ارائه اطلاعات غیرعددی، غیرمالی و توصیفی نیز شده است. در گزارش‌های توضیحی حسابداری همیشه انتخاب‌های زیادی وجود دارد که این انتخاب‌ها را مدیر و نویسنده انجام می‌دهد و در آنها درجاتی از اختیار در رابطه با محتوای گزارش و حتی شکل آن وجود دارد. انتخاب‌ها ممکن است اختیاری یا غیراختیاری باشد و حتی این اختیار در انتخاب‌ها در لحن و نحوه بیان و نوشتار مدیران نیز مشاهده می‌شود، به این مفهوم که نوع نوشتار آنها در گزارش‌های مالی و تن صدا و لحن آنها در جلسات (مجامع عمومی و سایر جلسات با سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان) در هنگام ارائه گزارش باعث ایجاد تغییر در برداشت استفاده‌کنندگان می‌شود. به طور کلی، استفاده از گونه‌های زبان‌شناسی (لحن خوش‌بینانه/بدبینانه) را مدیران در گزارش‌های غیرعددی، توضیحی و حتی شفاهی به‌عنوان شکلی از ادراک هدفدار، عمدی و آگاهانه، به‌منظور دستکاری و انحراف در ادراک به‌کار می‌گیرند (تان^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). شرکت‌هایی که سود را دستکاری می‌کنند یا شرکت‌هایی که در معرض نقض قرارداد بدهی و بحران مالی قرار دارند، به احتمال زیاد بر کیفیت گزارشگری مالی خود تأثیر می‌گذارند. بر اساس رویکرد مدیریت سود فرصت‌طلبانه، شرکت‌های دارای مدیریت سود، از لحن خوش‌بینانه در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند. در مقابل، شرکت‌هایی که مدیریت سود نمی‌کنند یا مدیریت سود آنها پایین است، لحن بدبینانه را به‌کار می‌گیرند. در چنین مواردی، شرکت‌ها تمایل دارند اقلام تعهدی اختیاری مثبت زیادی را به‌منظور افزایش قیمت سهام نشان دهند. در مواردی هم که برخی عوامل از قبیل معیارهای حسابداری سخت‌گیرانه، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را برای مدیریت با محدودیت روبرو می‌سازد، با تغییر زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری، دست به مدیریت سود واقعی می‌زنند؛ بنابراین، شرکت‌ها برای تأثیر گذاشتن بر ادراک سهامداران و برآورده کردن انتظارات آنها، ممکن است متمایل به استفاده از روش‌های قانونی و غیرقانونی از قبیل دستکاری سود (مدیریت سود) یا کاهش محافظه‌کاری حسابداری باشند (تران، ۲۰۲۵). تعبیر دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه (در قالب مدیریت ادراک) از راهبردهای افشای مدیران بر مبنای شکل ضعیف کارایی بازار قرار دارد. بر طبق آن فرض می‌شود سرمایه‌گذاران در کوتاه‌مدت توانایی ارزیابی جانبدارانه‌بودن گزارش‌های مدیریت را ندارند. براساس این فرض، مدیران از مدیریت ادراک برای تأثیرگذاری بر قیمت سهام به‌منظور افزایش پاداش خویش استفاده می‌کنند. در مقابل، دیدگاه اطلاعات تکمیلی مفید بر مبنای شکل نیمه‌قوی و قوی کارایی بازار است که در آن فرض می‌شود سرمایه‌گذاران توانایی ارزیابی جانبدارانه‌بودن گزارش‌های مدیریت را دارند. فرضیه بازارهای کارا بیان می‌کند همه مشارکت‌کنندگان بازار، انتظارات منطقی و معقولی نسبت به بازده‌های آتی دارند که این موضوع نشان می‌دهد به‌طور میانگین، بازار قادر به ارزیابی جانبدارانه‌بودن گزارش‌هاست. در چنین بازار کارایی، گزارش‌های انحرافی و جانبدارانه (همراه با مدیریت ادراک) به کاهش عملکرد قیمت سهام منجر می‌شود و از آنجا که پاداش مدیران به عملکرد قیمت سهام وابسته است، در چنین بازاری مدیران هیچ‌گونه انگیزه اقتصادی برای اعمال ادراک مدیریتی ندارند (تان و همکاران، ۲۰۲۴).

دانشمندانی از قبیل جورجسکو و روجن^۲ (۱۹۷۱)، مادوس^۳ (۱۹۷۲)، ارلیک و هولدرن^۴ (۱۹۷۴)، کلیولند^۵ (۱۹۸۴)، بر این باورند که سطوح بالاتری از فعالیت‌های اقتصادی (مصرف و تولید) همواره نیازمند مقداری بیش‌تر از انرژی و مواد اولیه است و فرآورده‌های فرعی زائد بیش‌تری را بجا می‌گذارد (تران^۶، ۲۰۲۵). استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، انباشت ضایعات و تمرکز بر روی آلاینده‌ها، می‌تواند ظرفیت زیست کره را درهم بشکند و در نهایت، با وجود افزایش درآمدها به تخریب کیفیت محیط

1. Tan

2. Jorjesco and Roghen

3. Madus

4. Erlick and Holdren

5. Clivland

6. Tran

زیست و کاهش رفاه بشر منجر بشود (کریم^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). افزون بر این، تخریب منابع پایه می‌تواند فعالیت اقتصادی و شرایط اقلیمی را در معرض ریسک قرار بدهد. بنابراین، جهت حفظ محیط زیست و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، رشد اقتصادی باید متوقف شده و جهان باید به سمت یک حالت پایدار اقتصادی با اقلیم پایدار حرکت کند (رن^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، افرادی نیز معتقدند که سریع‌ترین راه بهبود محیط زیست از کانال رشد اقتصادی صورت می‌گیرد؛ بدین‌گونه که با افزایش سطوح درآمدی، تقاضا برای کالا و خدماتی که کمتر ماده‌بر باشند، افزایش می‌یابد و این خود به ترویج و پذیرش معیارهای حفاظت محیط زیستی در فرایند تولیدات منجر می‌شود. کالاهای کمتر ماده‌بر، شامل کالاهایی می‌باشند که قابل بازیافت بوده و آلودگی زیست محیطی ایجاد نمی‌نمایند، از سوی دیگر، به گونه‌ای تهیه می‌شوند که از مواد آلاینده نیز نمی‌باشند (تریپونگرونا^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

همان‌طور که بکرم^۴ (۲۰۰۹) اشاره می‌کند «بیش‌ترین همبستگی بین درآمد و گسترش پذیرش معیارهای حفاظت زیست محیطی، نشان می‌دهد که در بلندمدت، قوی‌ترین راه برای بهبود محیط زیست ما این است که ثروتمند شویم». عده‌ای نیز ادعا می‌کنند که وضع قوانین زیست محیطی با تأثیر بر کاهش رشد اقتصادی، در عمل باعث کاهش کیفیت محیط زیست می‌شوند (امین^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). موضوع پایداری زیست محیطی شرکت‌ها و پایداری سیاست‌های اقلیمی شرکت در چند سال اخیر با توجه به رشد سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اعتراضی علیه قدرت سازمان‌ها، افزایش آگاهی اجتماعی، توسعه بازارهای سرمایه و شرکت‌های سهامی عام و رسوایی‌های مالی و اخلاقی سازمان‌های بزرگ، تبدیل به الگوی مناسب و غالب در حوزه کسب و کارهای تجاری و صنعتی شده است، تا حدی که کمیسیون اروپا سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کشورهای اتحادیه اروپا نام‌گذاری کرد. وجود تشکلهای کارگری، رعایت حقوق مصرف‌کنندگان، توجه به استانداردهای قانونی در تولید محصول، پاسخگویی مدیران سازمان‌ها در قبال مسائل شهروندی، محیط زیستی، اخلاقی، فرهنگی و حتی حقوق بشر از علائم و نشانه‌های اصلی توجه به مسئولیت اجتماعی در سازمان‌ها و شرکت‌هاست. در نظر نگرفتن ملاحظات اجتماعی و عدم ارائه آن در قالب گزارشگری اجتماعی، بین انتظارات واحدهای اقتصادی و انتظارات جامعه شکاف پدید آورده است. از این رو، گزارشات اجتماعی و پابندگی موجب عینی و محسوس شدن نتایج واقعی عملکرد واحدهای تجاری می‌شود و بر هوشیاری جامعه در برخورد با زیان‌های احتمالی می‌افزاید (عظیمی^۶، ۲۰۲۳).

با این وجود حرکت در مسیر مسئولیت‌های اجتماعی و سیاست‌های پایدار اقلیمی عاملی ضروری و حیاتی است که به تداوم فعالیت سازمان در دراز مدت منجر می‌شود. پژوهش‌های گذشته نشان داد که اطلاعات در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به‌طور قابل توجهی به‌وسیله ذی‌نفعان شرکت درخواست شده و این اطلاعات نقشی مهم در تصمیم‌گیری‌های آنان بازی می‌کند. افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت در گزارش‌های سالانه به سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان اجازه خواهد داد درباره کارایی، تأثیر تصمیم‌ها و فعالیت‌های در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی مدیران قضاوت کنند (پاتریدیس^۷، ۲۰۲۳). دیگران^۸ (۲۰۰۷) مطابق نظریه ذی‌نفعان بیان می‌کند که ذی‌نفعان نسبت به فعالیت یک سازمان اقتصادی ذی‌حق و ذینفع هستند. بر این اساس مدیریت باید سازمان را در جهت حداکثر کردن منافع همه ذی‌نفعان اداره کند. ذی‌نفعان توجه زیادی به موضوعات زیست محیطی و اجتماعی در یک شرکت دارند. سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی به‌منظور ارزیابی عملکرد کلی و برآورد خطرهای زیست محیطی، دولت‌ها برای اجرای قوانین زیست محیطی و مشتریان به‌منظور حفاظت از حقوق‌شان به

1. Karim

2. Ren

3. Treepongkaruna

4. Bakermann

5. Amin

6. Azimli

7. Patrdis

8. Digan

اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی نیاز دارند. انگیزه مدیر از افشای این اطلاعات آن است که به گروههای ذینفع نشان دهد که سازمان مطابق با انتظارات آنها عمل می‌کند (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

از طرفی با تغییر محیط تجاری، شرکت‌ها با چالش‌های زیادی مواجه هستند تا مزیت رقابتی خود را در یک بازار بالغ اشغال کنند. بدون یک سازوکار دقیق و سالم برای سازگاری مطلوب با چنین محیطی، شرکت‌ها به احتمال زیاد با مشکلات ناشی از نقدینگی ناکافی، بدهی‌های بیش از حد و غیره مواجه هستند که در نهایت، آن‌ها را به سمت درماندگی مالی سوق می‌دهد. به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در حوزه تجارت، درماندگی مالی اثرات زیان‌آوری بر توسعه طولانی‌مدت شرکت‌ها و حتی تهدید بقای آن‌ها می‌گذارد. به طور خاص، درماندگی مالی به طور اجتناب‌ناپذیری به منافع سهامداران شرکت مانند سرمایه‌گذاران مدیران، کارمندان، تأمین‌کنندگان و قانون‌گذاران آسیب می‌رساند. افزون بر این، زمانی که تعداد شرکت‌های ورشکسته مالی تا حدی انباشته می‌شود، ممکن است به بحران مالی بپیوندد و ثبات کل بازار سرمایه را محدود کند. با در نظر گرفتن اثرات نامطلوب بحران مالی، عجیب نیست که محققان دانشگاهی، فعالان صنعتی و تنظیم‌کننده‌های دولت تلاش کرده‌اند تا به دنبال راهنمایی از یک مدل پیش‌بینی درماندگی مالی معتبر برای ارائه هشدار اولیه در مورد درماندگی باشند (تران، ۲۰۲۵). با این وجود مسأله اقلیم و آلودگی محیط زیست از مهم‌ترین معضلات جامعه بشری امروز است. ایران نیز هم‌چون دیگر کشورها با مشکلات بسیاری در زمینه زیست‌محیطی و اجتماعی مواجه است. شرکت‌های ایرانی به طور سنتی با فشارها و الزامات قانونی کمی برای افشاء اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی مواجه هستند و از طرفی خصوصیات شرکت‌های فعال در بخش‌های گوناگون صنعت، متفاوت است. از سویی با توجه به اهمیت موضوع و فقدان پژوهش جامعی که به تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد، این پژوهش به این مهم می‌پردازد و درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد؟

مبانی نظری پژوهش

براساس نظریه مشروعیت، شرکت‌های فعال در بخش‌های تحت فشار جامعه تلاش می‌کنند تا به وسیله افشای مسائل زیست محیطی‌شان مشروعیت کسب کنند لذا مطابق این تئوری انتظار می‌رود شرکت‌هایی که بیش‌تر مورد توجه جامعه هستند و در صناعی فعالیت می‌کنند که بیش‌تر به قوانین زیست محیطی و آیین‌نامه‌ها حساس هستند اطلاعات زیست‌محیطی و اقلیمی گسترده‌تری افشاء کنند (تران، ۲۰۲۵). از طرفی بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران به‌عنوان نمایندگان سهامداران ممکن است به‌گونه‌ای عمل نمایند یا تصمیم‌هایی را اتخاذ کنند که در راستای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران باشد. از سویی بر اساس نظریه اثباتی حسابداری، افشاء داوطلبانه مسائل زیست محیطی و سیاست‌های اقلیمی شرکت تنها در صورتی قابل توجیه است که منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی شود، اما گزارش داوطلبانه اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی به‌جای این‌که بر هزینه‌های نمایندگی اثر داشته باشد بر هزینه‌های سیاسی اثرگذار است. طبق فرضیه هزینه‌های سیاسی، شرکت‌ها باید هزینه‌های سیاسی و سایر هزینه‌هایی را مدنظر قرار دهند که به‌واسطه گزارشگری سود بر واحد تجاری تحمیل می‌شود. لذا هزینه‌های سیاسی تابع سودهای گزارش شده هستند. شرکت‌های سودآور اطلاعات اجتماعی را افشا می‌کنند تا همکاری‌های مثبت خود را با جامعه نشان دهند و به این وسیله به موجودیت خود مشروعیت ببخشند (امین و همکاران، ۲۰۲۳). در زمینه موضوع پژوهش، پژوهش‌های متنوعی انجام شده که در ادامه به برخی از اهم آن پرداخته می‌شود.

خاندوزی (۱۴۰۳) به بررسی تأثیر ریسک اقلیمی بر مدیریت سود پرداخته و نشان دادند بین ریسک اقلیمی با مدیریت سود شرکت‌ها در دوره بررسی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای این منظور رابطه بین متغیرهای ریسک اقلیمی شامل بحران خشکسالی و محصولات کشاورزی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها مورد تجزیه

^۱. Chen

و تحلیل قرار گرفت. ضمن اینکه اثر متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری، دارایی‌های نامشهود، رشد فروش، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، ارزش دفتری به بازار و نوع حسابرسان شرکت در مدل رگرسیونی کنترل شد. موسوی و محبی (۱۴۰۲) به بررسی شیوه‌های مدیریت زیست محیطی و سودآوری شرکت‌ها اثرات کارایی زیست محیطی و مسئولیت زیست محیطی پرداختند و نشان دادند با توجه به مزیت‌های زیست محیطی، چنین اقداماتی باعث کاهش قابل توجه مصرف انرژی و استفاده از منابع طبیعی و کاهش و حذف بیش‌تر مشکلات زیست محیطی می‌شود. از این رو، منطق پیش‌گیری از آلودگی، هزینه را به دلیل تأثیر بالقوه زیست محیطی پایین‌تر آن داخلی می‌کند که مقدار قابل توجهی از بودجه را جذب می‌کند. به طور کلی، بینش‌های تازه بدست آمده در این مطالعه می‌تواند برای حل محدودیت‌های معمول حسابداری کمک کند و مقیاسی گسترده‌تر برای اطلاعات زیست محیطی را بیان کند که می‌توان از آن‌ها نیز استفاده کرد. خدای پور و جعفری (۱۴۰۲) به تحلیل گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست محیطی اقلیمی شرکت پرداخته و نشان دادند اهمیت موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، حسابداری و حسابرسان اجتماعی و زیست محیطی و پایداری و پژوهش در این زمینه‌ها را آشکار می‌شود و از این رو، مهم است که وضع‌کنندگان استاندارد در حرفه حسابداری، استانداردهایی را در مورد مسائل اجتماعی، زیست محیطی و پایداری تنظیم نمایند. گلیجانی و جعفر صالحی (۱۴۰۲) به بررسی ارتباط افشای زیست محیطی با مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری پرداخته و نشان دادند بین افشای زیست محیطی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد و بین افشای زیست محیطی و محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، این موضوع را در فعالیت‌های خود بکار گرفته که این مهم سودآوری آنها را تحت الشعاع قرار داده است. بخردی نسب (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر حقوق محیط زیست شرکت‌ها بر هموارسازی سود پرداخته و نشان داد سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی علاقه‌مندند اطلاعاتی بیش‌تر درباره هموارسازی سود در شرکت‌های سرمایه‌پذیر داشته باشند؛ بویژه اگر این اطلاعات بر تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر باشد. سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از روند ثابت سودآوری برخوردار باشند. مسئولیت اجتماعی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان باید در جهت حفظ و مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد و در بیانی دیگر می‌توان گفت که مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقدام‌هایی است که به طور کلی افزون بر تأمین منافع خود، موجبات رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورند.

ترن (۲۰۲۵) به بررسی عدم قطعیت سیاست اقلیمی و مدیریت درآمد پرداخته و نشان داد سطوح بالای عدم قطعیت سیاست اقلیمی با کاهش مقدار مطلق اقلام تعهدی اختیاری غیرعادی مرتبط است. این رابطه بر اساس دو رویکرد متغیر ابزاری، چندین عامل حاکمیتی داخلی و خارجی و معیارهای جایگزین گوناگون مدیریت سود، همچنان معتبر باقی می‌ماند. افزون بر این، مشخص شده است که ارتباط منفی بین عدم قطعیت سیاست اقلیمی و مدیریت سود در شرکت‌هایی با احتمال درماندگی مالی بالاتر، نظارت بیش‌تر سرمایه‌گذاران نهادی و رویه‌های قوی‌تر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برجسته‌تر است. تان و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی تأثیر نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی بر ریسک مالی و مدیریت سود پرداختند. طبق بررسی‌های انجام شده نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود شرکت‌هایی که از نظام حاکمیتی قوی برخوردارند توجهی ویژه به فعالیت‌های زیست محیطی و سیاست‌های اقلیمی خود نشان می‌دهند. بنابراین بین نظام راهبری شرکتی و مسئولیت زیست محیطی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد. عظیمی (۲۰۲۳) به ارزیابی نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی، ارزش شرکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در منتخبی از کشورهای در حال توسعه و به روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی دارای اثری معکوس و معنادار بر ارزش شرکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارد. از طرفی، اثر مثبت و معنادار متغیرهایی مانند سطح زیرساخت‌های اقتصادی، ثبات سیاسی و نرخ بازگشت سرمایه در کشورهای در حال توسعه مورد تأیید قرار گرفت. سلتز و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی و تحلیل اثرات آن بر مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت سود پرداخته و نشان دادند در شرکت‌هایی که نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی بالا دارند، رابطه مثبت بین رقابت بازار محصول و افشای اطلاعات زیست محیطی تشدید می‌شود. به بیان دیگر، مدیران اجرایی با توانایی بالا مایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت در فعالیت‌های زیست محیطی هستند که این سرمایه

گذاری‌ها منجر به بهبود مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی می‌شوند. ال‌قول و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی شرکت بر مدیریت سود پرداخته و نشان دادند یک توضیح برای رابطه مثبت بین نااطمینانی سیاست‌های اقلیمی شرکت و سطح افشاء این است که شرکت‌های بزرگ‌تر، متقبل فعالیت‌های بیش‌تری هستند و تأثیری بیش‌تر بر جامعه می‌گذارند. هم‌چنین، شرکت‌های بزرگ‌تر در معرض موشکافی بیش‌تری به‌وسیله گروه‌های گوناگون جامعه هستند و بنابراین، از سوی جامعه، تحت فشار بیش‌تری برای افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی به‌منظور مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های خود هستند که سطح مدیریت سود خود را کاهش می‌دهند.

روش‌شناسی پژوهش

طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس رویدادی (از راه اطلاعات گذشته) است. از سوی دیگر، این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. بر اساس ماهیت داده‌ها، از نوع پژوهش کمی بشمار می‌آید. بر اساس اهداف نیز از نوع پژوهش کاربردی بشمار می‌آید و به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش و با توجه به ماهیت اطلاعات و داده‌های پژوهش که مبتنی بر اطلاعات کمی و واقعی گذشته است، از آزمون رگرسیون استفاده شد. متغیرهای پژوهش شامل عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی به عنوان متغیر مستقل و مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته و درماندگی مالی و مسئولیت اجتماعی به عنوان متغیرهای تعدیل کننده می‌باشند و مدل رگرسیون آزمون فرضیه‌های پژوهش مطابق مدل زیر است؛

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 CPU_{it} + \beta_2 CPU_{it} * FD_{it} + \beta_3 CPU_{it} * CSR_{it} + \Sigma Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن؛

عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی: در این پژوهش از شاخص گاوریلیدز (۲۰۲۱) شامل شاخص‌های SIC (پیاده‌سازی ISO 14001 در سطح شرکت، وجود کمیته محیط زیست در شرکت، داشتن جوایز و گواهینامه اعمال زیست‌محیطی خارجی، مشارکت در انجمن‌ها و ... برای بهبود شرایط اقلیمی، صدور بیانیه در زمینه اقلیم و شرایط اقلیمی و مدیریت اقلیم و ...) برای سنجش این متغیر در قالب متغیر موهومی استفاده می‌شود. در صورت وجود هر یک از شاخص‌های فوق عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌کند.

مدیریت سود: در این پژوهش این متغیر با نماد EM^1 به عنوان متغیر وابسته بوده که از مدل کوتاری - جونز تعدیل یافته (۲۰۰۵) برای محاسبه آن استفاده می‌شود. نحوه سنجش این متغیر بر اساس مدل زیر می‌باشد؛

$$TA_{i,t} / A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{i,t-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t} / A_{i,t-1}) + \alpha_3 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + S_{i,t}$$

که در آن:

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t .

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری داراییهای شرکت i در سال t .

$REV_{i,t}$: تغییرات درآمد فروش طی سال $t-1$ تا سال t برای شرکت i .

$REC_{i,t}$: تغییرات حسابها و اسناد دریافتنی طی سال $t-1$ تا سال t برای شرکت i .

$PPE_{i,t}$: مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت i .

$S_{i,t}$: باقیمانده مدل (مدیریت سود با نماد DA_{it})

درماندگی مالی

برای اندازه‌گیری درماندگی مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر نخست از مدل پورحیدری و کوپایی (۱۳۸۹) استفاده می‌شود. پورحیدری و کوپایی (۱۳۸۹) در ارتباط با پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها از مدل تابع تفکیکی خطی استفاده کرده‌اند که در نهایت، رابطه زیر بدست آمده است:

¹. Earning Management

$$P=3.20784K1+1.8038K2+1.6136K3+0.50094K4+0.1690K5+0.3970K6+0.1250K7+0.3348K8+1.4236K9$$

که در آن؛

P: بحران مالی در شرکت

K1: سود قبل از مالیات به داراییها

K2: سود انباشته به کل داراییها

K3: سرمایه در گردش به داراییها

K4: حقوق صاحبان سهام به بدهیها

K5: سود قبل از مالیات به درآمد فروش

K6: داراییهای جاری به بدهیهای جاری

K7: سود خالص به فروش

K8: بدهیها به داراییها

K9: اندازه شرکت

مسئولیت اجتماعی شرکت

مسئولیت اجتماعی شرکت با توجه به معیار هایی که مؤسسه معروف به KLD^۱ که هر ساله سازمان ها را براساس معیارهای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی رتبه بندی می‌کند اندازه گیری شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این پژوهش دارای چهار بعد می‌باشد، هر بعد آن دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص به خود می‌باشد. با تفاضل نقاط قوت از نقاط ضعف مربوطه نمره آن بعد بدست می‌آید. در نهایت، با جمع تمام ابعاد فوق یک نمره کلی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بدست خواهد آمد. لازم به ذکر است که در صورت وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت مربوطه، عدد یک و در صورت نبود آنها عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد. اطلاعات لازم برای این متغیرها در گزارش هیأت مدیره شرکت ها افشاء می‌شود و در این پژوهش برای معرفی هر یک از ابعاد، با توجه به ماهیت افشاگری در ایران، از شاخص های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران و همچنین، از گواهی‌نامه‌های ISO 9001 سیستم مدیریت کیفیت، ISO 14001 مدیریت زیست محیطی، OHSAS 18001 استاندارد ایمنی و بهداشت استفاده شده است. بنابراین، در این پژوهش صرفاً از مدل KLD استفاده نشده بلکه معیارها مطابق با استاندارد ایران می‌باشد که همانطور که پیش تر توضیح داده شد در گزارش هیأت مدیره افشاء می‌شود. مدل حاضر مدل عینی و کمی معروفیست که تاکنون از راه نهادهای رسمی در بسیاری از کشورها برای اندازه گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی استفاده شده است. مدل به صورت زیر می‌باشد:

$$CSR = CSR.COM + CSR.EMP + CSR.ENV + CSR.PRO$$

CSR = نمره مسئولیت اجتماعی شرکت

CSR.EMP = نمره مشارکت اجتماعی که از راه تفاضل نقاط قوت و نقاط ضعف خاص خود به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CSR.EMP = \sum Strengths - \sum Concerns$$

همین طور می‌توان نمره های ابعاد دیگر مسئولیت اجتماعی، همچون CSR.EMP (نمره افشای روابط کارکنان)، CSR.ENV (نمره افشای محیط زیست)، CSR.PRO (نمره ویژگی‌های محصولات) را از راه ذکر شده در بالا محاسبه کرد (میشرا و همکاران، ۲۰۱۱).

¹. Kinder, Lydenberg and Domini Research & Analytics, Inc.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش نیز شامل موارد زیرند:

INSTSHR: درصد سهام متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی در سال قبل است. اطلاعات مربوط به سهامداران نهادی از اطلاعیه مربوط به گزارش‌های سالانه هیئت‌مدیره به دست می‌آیند.

NCSKEW: ضریب چولگی منفی بازده‌های هفتگی شرکت در سال قبل و با استفاده از مدل چن و همکاران (۲۰۰۰) به دست می‌آید.

DTURN: عدم تجانس اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، برابر است با متوسط گردش تصادفی ماهانه سهام در سال جاری، منهای متوسط گردش تصادفی ماهانه سهام در سال قبل که با استفاده از معیار هانگ و استین به دست می‌آید.

SIGMA: انحراف معیار بازدهی هفتگی شرکت در سال ماقبل بررسی‌شده.

RET: میانگین حسابی بازده‌های هفتگی شرکت در سال ماقبل بررسی‌شده.

ROA: بازده دارایی‌هاست که از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

SIZE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام.

DTE: نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام.

BTM: نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار آن در سال قبل.

جامعه مورد بررسی کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ می‌باشد که تعداد ۱۶۶ شرکت به روش غربال‌گری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش داده‌ها از سایت کدال گردآوری و برای آزمون فرضیه پژوهش از رگرسیون چند متغیره به کمک نرم‌افزار ایویوز ۱۲ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش داده‌های گردآوری شده از ۱۶۶ شرکت با استفاده از مدل پانل دیتا و رگرسیون خطی چندگانه مورد آزمون قرار گرفت. در ادامه به تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، بیش‌ترین مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین متغیر مدیریت سود شرکت ۰,۰۱۱۷ می‌باشد که با توجه به انحراف معیار (۰,۰۰۷۲) از نوسان‌پذیری پایینی برخوردار است. میانگین متغیر عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی در شرکت‌های مورد بررسی ۰,۰۸۶۴ می‌باشد که با توجه به انحراف معیار (۰,۰۴۶۵) از نوسان‌پذیری پایینی برخوردار است. میانگین متغیر مالکیت نهادی ۰,۵۷۳۱ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که مالکیت ۵۷,۳۱٪ شرکت‌های مورد بررسی در طول دوره زمانی پژوهش در کنترل نهادها بوده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	سطح معناداری آزمون جاکو برا
مدیریت سود	EM	۱۱۳۶	۰/۰۱۲	۰/۰۲۰	۰/۰۲۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۲۶۵
عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی	CPU	۱۱۳۶	۰/۰۸۶	۰/۰۷۷	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۲۲۶
درماندگی مالی	FD	۱۱۳۶	۰/۰۵۰	۰/۵۰۰	۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰	۰/۶۴۱
مسئولیت اجتماعی	CSR	۱۱۳۶	۰/۵۵۲	۰/۵۶۲	۰/۸۷۹	۰/۱۷۳	۰/۲۰۱	۰/۱۰۹

اندازه شرکت	SIZE	۱۱۳۶	۱۴/۶۶۱	۱۴/۴۹۸	۱۷/۷۱۵	۱۲/۴۳۷	۱/۳۳۷	۰/۳۰۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۱۳۶	۰/۱۳۴	۰/۱۰۷	۰/۴۲۵	-۰/۰۶۱	۰/۱۳۳	۰/۲۰۱
نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام	DTE	۱۱۳۶	۲/۴۸۵	۱/۷۰۸	۷/۲۵۹	۱/۰۳۹	۱/۷۳۲	۰/۱۱۵
مالکیت نهادی	INSTSHR	۱۱۳۶	۰/۵۷۳	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵	۰/۱۹۶
ضریب چولگی منفی	NCSKEW	۱۱۳۶	۰/۱۵۱	۰/۱۶۸	۰/۲۴۱	۰/۰۵۲	۰/۴۹۵	۰/۴۰۲
عدم تجانس اطلاعاتی	DTURN	۱۱۳۶	۰/۴۹۸	۰/۵۱۰	۰/۹۵۹	۰/۰۳۹	۰/۲۰۸	۰/۳۳۴
انحراف معیار بازده سهام	SIGMA	۱۱۳۶	۰/۱۰۸	۰/۰۹۲	۰/۳۵۶	-۰/۰۷۷	۰/۱۱۵	۰/۶۲۵
میانگین بازده سهام	RET	۱۱۳۶	۰/۰۳۳	۰/۰۰۸	۰/۲۶۳	-۰/۰۲۹	۰/۰۷۰	۰/۲۲۴
نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار	BTM	۱۱۳۶	۰/۰۵۶	۰/۰۴۹	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵	۰/۱۷۵

مطابق اطلاعات مندرج در جدول با توجه به سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون جاکو برا که بیش از ۰,۰۵ بدست آمده، نشان می‌دهد توزیع متغیرهای پژوهش نرمال است. برای تعیین اینکه از کدام مدل برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شود از آزمون افلیمر و هاسمن استفاده شد و نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شد.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

مدل	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
اول	F لیمر	۰/۶۷۶	۰/۶۰۹	روش تلفیقی
	هاسمن			نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.
دوم	F لیمر	۰/۶۵۹	۰/۷۰۷	روش تلفیقی
	هاسمن			نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.
سوم	F لیمر	۰/۸۵۹	۰/۴۰۶	روش تلفیقی
	هاسمن			نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.

همانطور که در جدول ۲ منعکس شده، احتمال F لیمر هر سه مدل پژوهش بیش‌تر از ۵٪ می‌باشد لذا، برای تخمین مدل‌ها از روش تلفیقی استفاده می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه به‌منظور تخمین هر دو مدل از روش تلفیقی استفاده می‌شود نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد. لذا، در ادامه به تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. فرضیه نخست پژوهش: عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای این فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۳. آزمون فرضیه نخست پژوهش

متغیر وابسته: مدیریت سود					
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰/۰۲۱	۰/۰۰۲	۱۱/۳۷	۰/۰۰۰
عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی	CPU	۰/۰۲۲	۰/۰۰۸	۳/۰۰۵	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	-۱۰/۱۱۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۱۹/۵۳۴	۰/۰۰۰
نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام	DTE	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۳/۷۹۹	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	INSTSHR	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۴/۴۸۴	۰/۰۰۰
ضریب چولگی منفی	NCSKEW	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۷/۲۸۸	۰/۰۰۰
عدم تجانس اطلاعاتی	DTURN	۰/۰۱۸	۰/۰۰۲	۸/۱۲۴	۰/۰۰۰
انحراف معیار بازده سهام	SIGMA	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۹۹۲
میانگین بازده سهام	RET	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۵/۵۳۴	۰/۰۰۰
نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار	BTM	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	-۳/۵۱۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۱۲			
دوربین-واتسون		۱/۹۶۸			
آماره F		۱۰۰/۳۴۹			
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰			

مقدار احتمال یا سطح معناداری متغیر عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی چون کم‌تر از ۰/۰۵ (سطح خطا در قابلیت اطمینان ۹۵٪) است و همچنین، با توجه به مقدار آماره t (به دلیل قرار نگرفتن در بازه ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- (یا همان مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۹۵٪) بنابراین، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این امر به این معنی است که عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱,۹۶۸ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. در نهایت، با توجه به سطح معناداری آزمون F که ۰/۰۰۰ بدست آمده (چون این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ است) نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها نسبت به خط رگرسیون دارای پراکندگی منطقی می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش؛ عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. جدول ۴ آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: مدیریت سود					
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۱۱/۲۲۰	۰/۰۰۰
عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی	CPU	۰/۰۲۱	۰/۰۰۷	۲/۹۹۲	۰/۰۰۳

۰/۰۰۰	۴/۱۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	FD	درماندگی مالی
۰/۰۱۷	۲/۳۸۹	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	CPU*FD	عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی * درماندگی مالی
۰/۰۰۰	۱۰/۳۸۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۸	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۱۹/۷۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۰۳۳	۲/۱۳۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	DTE	نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام
۰/۰۰۰	۳/۹۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	INSTSHR	مالکیت نهادی
۰/۰۰۰	-۷/۵۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	NCSKEW	ضریب چولگی منفی
۰/۰۰۰	۸/۱۴۶۸	۰/۰۰۲	۰/۰۱۸	DTURN	عدم تجانس اطلاعاتی
۰/۷۸۲	۰/۲۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	SIGMA	انحراف معیار بازده سهام
۰/۰۰۰	۶/۴۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	RET	میانگین بازده سهام
۰/۰۰۱	-۳/۲۸۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	BTM	نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار
			۰/۵۴۹		ضریب تعیین تعدیل شده
			۱/۹۸۴		دوربین-واتسون
			۱۰۸/۳۸۴		آماره F
			۰/۰۰۰		احتمال (آماره F)

مقدار احتمال یا سطح معناداری متغیرهای عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی * درماندگی مالی چون کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطا در قابلیت اطمینان ۹۵٪) است و همچنین، با توجه به مقدار آماره t (به دلیل قرار نگرفتن در بازه $+۱/۹۶$ و $-۱/۹۶$) (یا همان مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۹۵٪) بنابراین، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این امر به این معنی است که عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. مقدار آماره دوربین-واتسون $۱/۹۸۴$ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. در نهایت، با توجه به سطح معناداری آزمون F که $۰/۰۰۰$ بدست آمده (چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است) نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها نسبت به خط رگرسیون دارای پراکندگی منطقی می‌باشد. فرضیه سوم پژوهش؛ عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. جدول ۵ آزمون فرضیه سوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر وابسته: مدیریت سود					
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۰/۵۷۸	۰/۲۰۶	۲/۸۰۹	۰/۰۰۵۸
عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی	CPU	۰/۰۴۵	۰/۰۱۶	۲/۸۱۷	۰/۰۰۵۳
مسئولیت اجتماعی	CSR	۰/۲۷۴	۰/۰۷۲	۳/۷۹۸	۰/۰۰۰۲
مسئولیت اجتماعی * درماندگی مالی	CPU*CSR	۰/۴۵۸	۰/۱۹۲	۲/۲۸۴	۰/۰۱۷۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۳۶۱	۰/۰۸۷	-۴/۱۲۵	۰/۰۰۰۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۴۷۴	۰/۰۹۳	-۵/۰۹۹	۰/۰۰۰۰
نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام	DTE	۰/۰۴۵	۰/۰۲۰	۲/۲۶۱	۰/۰۲۴۸

مالکیت نهادی	INSTSHR	-۰/۰۷۳	۰/۰۱۵	۴/۸۲۹	۰/۰۰۰۰
ضریب چولگی منفی	NCSKEW	-۰/۳۰۶	۰/۰۸۴	-۳/۶۳۸	۰/۰۰۰۳
عدم تجانس اطلاعاتی	DTURN	-۰/۲۴۹	۰/۰۷۵	-۳/۳۱۲	۰/۰۰۱۰
انحراف معیار بازده سهام	SIGMA	-۰/۵۹۶	۰/۱۸۸	-۳/۱۶۸	۰/۰۰۱۶
میانگین بازده سهام	RET	۰/۳۹۷	۰/۱۰۳	۳/۸۵۱	۰/۰۰۰۱
نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار	BTM	۰/۷۷۸	۰/۲۳۳	۳/۳۳۰	۰/۰۰۰۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۶۱			
دوربین-واتسون		۲/۱۳۵			
آماره F		۹۳/۵۳۸			
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰			

مقدار احتمال یا سطح معناداری متغیرهای عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی * مسئولیت اجتماعی چون کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطا در قابلیت اطمینان ۰/۹۵) است و همچنین، با توجه به مقدار آماره t (به دلیل قرار نگرفتن در بازه ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- (یا همان مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۵) بنابراین، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. این امر به این معنی است که عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. مقدار آماره دوربین واتسون ۲/۱۳۵ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. در نهایت با توجه به سطح معناداری آزمون F که ۰/۰۰۰ بدست آمده (چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است) نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها نسبت به خط رگرسیون دارای پراکندگی منطقی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل‌ها در خصوص فرضیه ۱ پژوهش نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. در تشریح چرایی این نتیجه می‌توان گفت سیاست‌های اقلیمی مفهومی رو به رشد است. امروزه، نقش واحدهای تجاری تغییرات زیادی کرده است و انتظار می‌رود که این واحدها فقط به فکر افزایش سودآوری نباشند و در قبال کارهای خود، به اجتماع پاسخگو نیز باشند. دلیل این امر، آن است که واحد تجاری نمی‌تواند بدون اجتماع، فعالیت داشته باشد و اجتماع نیز به واحد تجاری نیاز دارد. از این‌رو، رابطه‌ای دوطرفه بین این دو، شکل گرفته است. به همین منظور، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، هم برای آنها و هم برای اجتماع سودمند است. در واقع، فعالیت واحدهای تجاری باید میان کسب سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی در جامعه و حفظ محیط‌زیست تعادل برقرار نماید. امروزه سهامداران، مایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به گونه‌ای مناسب، در فعالیت‌های مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. تأثیر اجتماعی، یکی از جنبه‌های مهم و تأثیرگذار سیاست‌های اقلیمی بر شهرت شرکت است. این مؤلفه می‌تواند دیدگاه ذینفعان نسبت به سرمایه‌گذاری مؤثر باشد. اگر سازمان به درستی به مسئولیت اجتماعی خود عمل نکند، نخست اینکه ذینفعان خود را از دست داده، ثانیاً، باعث می‌شود که دولت از راه قوانین و مقررات و مجازات‌ها گوناگون، آن را مجبور به انجام این مهم کند. با توجه به موارد مطرح شده می‌توان انتظار داشت در صورتی که سیاست‌های اقلیمی به درستی مورد توجه قرار نگرفته و شرکت آن را به رسمیت نشناسد، ممکن است عملکرد شرکت تحت تأثیر این مسئله قرار گیرد. در واقع پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عدم رعایت مسئولیت اجتماعی بویژه در دوره کنونی به سرعت از راه شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و می‌تواند بر موقعیت مالی و عملکرد شرکت تأثیر منفی ایجاد نماید. پر واضح است که هر جا سخن از تصمیم‌گیری است مبحث اطلاعات و نحوه دسترسی به آن مطرح می‌شود. در این راستا اطلاعاتی دارای اهمیت است که مفید باشد و به موقع افشا شود و همچنین، اطلاعات باید دارای اهمیت بوده و توان اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد را داشته باشد و منجر به تصمیم‌گیری بهینه شود. تصمیم‌گیری درست برای سرمایه‌گذاری در سطح بنگاه‌های

اقتصادی و تخصیص بهینه منابع کمیاب در جامعه، مستلزم وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه است. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه رکن اساسی پاسخگویی و تصمیم‌گیری اقتصادی آگاهانه و از ملزومات بی‌بدیل توسعه و رشد اقتصادی در بخش خصوصی و دولتی است. استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، بالاخص سرمایه‌گذاران، برای تصمیم‌گیری در زمینه خرید و فروش سهام، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیمات اقتصادی مهم به اطلاعات نیاز دارند و سرمایه‌گذاران زمانی در یک واحد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند که درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند. از دیدگاه استفاده‌کنندگان، اطلاعات مالی وقتی شفافیت و کیفیت اطلاعات ارائه شده بالاتر باشد، ریسک اطلاعاتی آن شرکت پایین‌تر است. سهامداران و اعتباردهندگان خواستار اطلاعات بیش‌تر و شفاف‌تری درباره شرکت هستند. افشای کامل همراه با شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند شرایط مطمئنی ایجاد کند که اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. گزارش‌های قابل اتکا و بموقع باعث می‌شود که افراد بتوانند به درستی چشم اندازه‌های آتی شرکت را ارزیابی نمایند. این امر باعث کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و هم‌چنین افزایش نرخ بازده مورد انتظار می‌شود. در تلاش برای رسیدن به پیش‌بینی‌ها و انتظارات سرمایه‌گذاران راجع به آنالیزهای مالی، شرکت‌ها دریافتند که مدیریت سود راه حل خوبی است. ناکامی در رسیدن به پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران و انتظارات سرمایه‌گذاران برای شرکت فاجعه‌بار می‌باشد. از لحاظ دسترسی به بودجه‌ها و فرصت‌های رشد کردن، شرکت‌هایی که از افشای بالاتری برخوردار هستند تمایل قوی‌تری دارند که سودها را به‌منظور رسیدن به پیش‌بینی‌های مالی تحلیل‌گران، مدیریت نمایند. این امر منجر به غیر موثق شدن افشا سازی‌ها می‌شود. شرکت‌هایی که شفاف نما هستند از روش‌های مدیریت سود کوتاه مدت برای دستیابی به پیش‌بینی مورد اجماع تحلیل‌گران استفاده می‌کنند. از سویی با مروری بر پژوهش‌های گذشته نمایان می‌شود که نتایج این پژوهش با پژوهش‌های خاندوزی (۱۴۰۳) و ترن (۲۰۲۵)، تان و همکاران (۲۰۲۴)، سلترز و همکاران (۲۰۲۲) و ال‌قول و همکاران (۲۰۲۱) همسو و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش: نتایج تحلیل‌ها در خصوص این فرضیه نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. در تشریح چرایی این نتیجه می‌توان گفت درماندگی مالی، یک اتفاق برنامه‌ریزی نشده (نه الزاماً غیرمنتظره) است که نیاز به اتخاذ تصمیم‌های راهبردی و سریع دارد و اتخاذ تصمیم‌های نادرست، در این شرایط، موجب آسیب جدی به شرکت و تصویر شرکت نزد افکار عمومی می‌شود. در همین رابطه، چان و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که به طور کلی شرکت‌هایی که با درماندگی مالی روبه‌رو هستند، هیچ‌گونه فعالیت مسئولیت اجتماعی انجام نمی‌دهند چرا که عمدتاً نیازمند منابع مالی گسترده می‌باشند. همین طور ژائو و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که درگیری مسئولیت اجتماعی با درماندگی مالی رابطه منفی دارد. برخی پژوهشگران معتقدند که اگر شرکت‌ها با توجه به مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی با محدودیت‌های مالی روبرو شوند، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی می‌تواند برای عملکرد طولانی‌مدت آن‌ها مضر باشد. از سوی دیگر، برخی از سرمایه‌گذاران تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی دارند که خود از نظر اجتماعی مسئول بدانند؛ بنابراین ممکن است محدودیت در تأمین مالی بر تصمیم‌گیری مدیران این شرکت‌ها در خصوص مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی معمولاً تأثیری کم‌تر داشته باشد چرا که عدم ایفای مسئولیت آنان در فعالیت‌های اجتماعی ممکن است نگرشی منفی در بین ذینفعان ایجاد کند که این به احتمال زیاد، برای ارزش شرکت مناسب نباشد. از سویی با مروری بر پژوهش‌های گذشته نمایان می‌شود که نتایج این پژوهش با پژوهش‌های خاندوزی (۱۴۰۳) و ترن (۲۰۲۵)، تان و همکاران (۲۰۲۴)، سلترز و همکاران (۲۰۲۲) و ال‌قول و همکاران (۲۰۲۱) همسو و هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش: نتایج تحلیل‌ها در خصوص این فرضیه نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. در تشریح چرایی این نتیجه می‌توان گفت امروزه با توجه به اهمیت روزافزون مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تأثیری که ایفای این تعهد اجتماعی بر روی تصویر شرکت نزد ذینفعان و متعاقباً بر روی بازده و عملکرد شرکت می‌گذارد، از واحدهای تجاری انتظار می‌رود که از راه پاسخگویی به نیازهای جامعه، مشتریان و ذینفعان رضایت آن‌ها را تأمین کنند. هم‌چنین، یکی از عواملی که

می‌تواند بر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی اثرگذار باشد سویه بیش‌اعتمادی مدیران می‌باشد. از آنجایی که مدیران بیش‌اطمینان اعتماد بی‌جا و بیش از حد نسبت به توانایی‌ها و قضاوت‌های خود دارند، آن‌ها همیشه تصمیمات بهینه و مطلوب اتخاذ نمی‌کنند. هم‌چنین، این سویه شناختی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری غیرمنطقی در مورد فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی نیز گردد و عواقب زیان‌بار آن متوجه واحد تجاری شود.

فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی متنوع هستند و عمدتاً نیازمند منابع مالی بسیاری می‌باشند (پارک و همکاران، ۲۰۲۰). از آنجایی که شرکت‌ها سعی در جلب رضایت ذینفعان و کسب بازده‌های بلندمدت دارند؛ لذا، ممکن است وجود محدودیت در منابع مالی بر تصمیم‌گیری مدیران این شرکت‌ها در خصوص مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تأثیر نداشته باشد. فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی انجام شده توسط مدیران بیش‌اطمینان به طور منفی با عملکرد شرکت در ارتباط می‌باشند. مدیران با اطمینان بیش از حد ممکن است نسبت به مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بی‌میل باشند چرا که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی نتایج نامشخصی دارند و عمدتاً نیازمند منابع مالی بسیاری می‌باشند. این مشارکت اجتماعی کم‌تر ممکن است به شهرت شرکت و در نتیجه به عملکرد شرکت آسیب برساند. فرضیه سوم پژوهش به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی محدودیت‌های مالی بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت پرداخت و نتایج نشان داد که محدودیت‌های مالی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت را تعدیل نمی‌کند. این نتیجه با نتیجه پژوهش پارک و همکاران متناقض است. بنا بر دلایلی واحدهای تجاری ممکن است حتی با وجود محدودیت‌های مالی نیز به تعهدات اجتماعی خود عمل کنند. انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در کوتاه‌مدت به منابع مالی بسیاری نیاز دارد و برای شرکت‌ها هزینه‌های اضافی دربردارد؛ با این حال این فعالیت‌ها منافع آتی بسیاری همچون اعتلای برند شرکت، کسب مزیت رقابتی، امکان جذب سرمایه بیش‌تر و بهبود بهروری نیز نصیب شرکت خواهد کرد. از طرفی از آنجا که عدم مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی ذهنیت منفی در بین ذینفعان و سهامداران ایجاد می‌کند و این موضوع روی ارزش شرکت و عملکرد شرکت اثرگذار خواهد بود؛ از سویی با مروری بر پژوهش‌های گذشته نمایان می‌شود که نتایج این پژوهش با پژوهش‌های خاندوزی (۱۴۰۳) و ترن (۲۰۲۵)، تان و همکاران (۲۰۲۴)، سلترز و همکاران (۲۰۲۲) و ال‌قول و همکاران (۲۰۲۱) همسو و هم‌راستا می‌باشد. بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود؛

پیشنهاد در راستای فرضیه نخست پژوهش: نتایج تحلیل‌ها نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد، لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود به سرمایه‌گذاران، بویژه سرمایه‌گذاران بزرگ نهادی پیشنهاد می‌شود برای سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که گزارش‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاست‌های اقلیمی در سطح بالایی دارند. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار تهران، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان بتواند میزان واقعی سیاست‌های اقلیمی شرکت‌ها را در طول سال‌های متمادی فعالیت شان اندازه‌گیری و مشخص کند.

پیشنهاد در راستای فرضیه دوم پژوهش: نتایج تحلیل‌ها نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد، لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج پژوهش که درماندگی مالی بر میزان وقوع دستکاری درآمدها اثر دارد، می‌توان گفت که سرمایه‌گذاران زمانی که به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها تصمیم می‌گیرند، ابتدا اقدام به بررسی شرکت از نظر مدیریت سود و وضعیت توانایی مالی بنمایند. هم‌چنین، به بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با نظارت بر ارقام تعهدی شرکت‌ها سبب تشویق مدیران برای عدم مدیریت ارقام تعهدی شوند.

پیشنهاد در راستای فرضیه سوم پژوهش: نتایج تحلیل‌ها نشان داد عدم اطمینان سیاست‌های اقلیمی بر مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیلی مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد، لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود به سهامداران، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار سرمایه ایران پیشنهاد می‌شود که در زمان تعیین عملکرد شرکت‌های بورسی به معیارهایی مانند معیارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها توجه بیش‌تری کنند. به مدیران

شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به عنوان یک روش مدیریتی در مجموعه خود اجرا کنند چرا که مشارکت و افشا فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بر شهرت و اعتبار شرکت می‌افزاید که به نوبه خود عملکرد مالی شرکت را بهبود می‌بخشد. همچنین، شرکت‌ها می‌توانند به کارگرفتن مدیران با اعتماد به نفس بالا و در سطح مطلوب، در کنار تأکید به مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، بر ارزش شرکت بیفزایند. افزون بر این با توجه به رابطه مثبت بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها، سازمان‌های ناظر در ایران باید افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و امتیاز مربوط به آن را برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس الزامی کنند و اطلاعات مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را به صورت کارآمد سازمان دهند.

منابع

- بخردی نسب، وحید. (۱۴۰۰). تأثیر حقوق محیط زیست شرکت‌ها بر هموارسازی سود. فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار. ۱۱(۱)، ۱۷۹-۱۵۱.
- پورحیدری، امید، و مهدی کوپائی حاجی، (۱۳۸۹)، پیش‌بینی درماندگی مالی با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیکی خطی، مجله پژوهش حسابداری مالی، شماره ۱، دوره ۳، ص ۴۶-۳۳.
- خاندوزی، حسنی. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ریسک اقلیمی بر مدیریت سود. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری. ۸(۳۰)، ۴۹۷-۴۷۳.
- خدای پور، احمد، و جعفری، محبوبه. (۱۴۰۲). گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست محیطی اقلیمی شرکت. مطالعات مدیریت توسعه سبز. ۱۲(۱)، ۱۱۱-۱۰۱.
- گلیجانی، مهرداد، و جعفر صالحی، کوثر. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط افشای زیست محیطی با مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری. فصلنامه پژوهش‌های معاصر در مدیریت و حسابداری. ۵(۱۶)، ۹۶-۸۳.
- موسوی، پیمان، و محبی، امیر. (۱۴۰۲). شیوه‌های مدیریت زیست محیطی و سودآوری شرکت‌ها اثرات کارایی زیست‌محیطی و مسئولیت زیست‌محیطی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۴)، ۱۲۸۰-۱۲۷۰.
- Amin, M.R., Akindayomi, A., Sarker, M.S.R., & Bhuyan, R. (2023). Climate policy uncertainty and corporate tax avoidance. *Financ. Res. Lett.* 58, 104581.
- Azimli, A. (2023). The impact of climate policy uncertainty on firm value: does corporate social responsibility engagement matter? *Financ. Res. Lett.* 51, 103456.
- Chen, Y., Fan, Q., Yang, X., & Zolotoy, L., (2021). CEO early-life disaster experience and stock price crash risk. *J. Corporate Finance* 68, 101928.
- El Ghouli, S., Guedhami, O., Kim, Y., & Yoon, H.J., (2021). Climate Policy uncertainty and accounting quality and Earning Management. *Acc. Rev.* 96 (4), 233-260.
- Karim, S., Naeem, M.A., Shafiullah, M., Lucey, B.M., & Ashraf, S., (2023). Asymmetric relationship between climate policy uncertainty and energy metals: evidence from cross-quantilegram. *Financ. Res. Lett.* 54, 103728.
- Patridis, G E. (2023). Environmental Disclosure Quality: Evidence on Environmental Performance, Corporate Governance and Value Relevance, *Emerging Markets Review*, 14, 55-75.
- Ren, X., Li, Y., Shahbaz, M., Dong, K., & Lu, Z., (2022). Climate risk and corporate environmental performance: empirical evidence from China. *Sustainable Prod. Consumption* 30, 467-477.
- Seltzer, L.H., Starks, L., & Zhu, Q. (2022). Climate regulatory risk and corporate Social Responsibility and Earning Management. Retrieved from.
- Tan, G., Baxamusa, M., Datta, S., & Jha, A. (2024). Does policy uncertainty increase relational risks and Earning Management? Evidence from strategic alliances. *Financ. Manage* 50 (3), 645-689.
- Tran, V. (2025). Climate policy uncertainty and earnings management. *Finance Research Letters* 71 (2025) 106393.
- Treepongkaruna, S., Chan, K.F., & Malik, I., (2023). Climate policy uncertainty and the cross-section of stock returns. *Financ. Res. Lett.* 55, 103837.

The Effect of Climate Policies Uncertainty on Earnings Management Considering the Moderating Role of Financial Distress and Social Responsibility in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Mehram Hemmati Barugh^{1*}, Sobhan Zafari², Shadi Shahverdiani³

Article Info	Abstract
Article type: Research Article	Climate policies, especially in the environmental dimension, have attracted a lot of attention in recent years, as human activities have led to the warming and destruction of the environment day by day, as one of the important and common topics in scientific circles and the business world. Today, given the complexity of the relationship between companies in society and each other, as well as with the government and individuals in society, conditions have arisen in which companies must be accountable not only to stakeholders but also to the general public. Therefore, the overall goal of this research was to determine the impact of climate policy uncertainty on earnings management by considering the moderating role of financial distress and social responsibility in companies listed on the Tehran Stock Exchange. This research is a post-event research in terms of methodology. On the other hand, the present research is a descriptive research of the correlation type based on regression equations and is applied in terms of purpose. The study population is all companies listed on the Tehran Stock Exchange between 2017 and 2024, of which 166 companies were selected and studied through screening. The results of the analyses showed that uncertainty in climate policies has a positive effect on earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Also, uncertainty in climate policies has a positive effect on earnings management by considering the moderating role of financial distress in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Finally, uncertainty in climate policies has a positive effect on earnings management by considering the moderating role of social responsibility in companies listed on the Tehran Stock Exchange.
Keywords	Climate Policies Uncertainty, Earnings Management, Financial Distress, Social Responsibility

Publisher: Islamic Azad University Qods Branch
Corresponding Author: Mehram Hemmati Barugh
Email: A_nori20143@yahoo.com

1. Department of Financial Management, Shahr-e-Quds Branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds, Iran (Corresponding Author)
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahr-e-Quds Branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds, Iran
3. Department of Business Management, Shahr-e-Quds Branch, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds, Iran